

هندسه امام موسی صدر برای آزادی فلسطین

دکتر حسین آجورلو *

چکیده

امروز که جهان اسلام از هر سو با زیاده‌خواهی و توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی و هم‌پیمانان بین‌المللی و منطقه‌ای آن مواجه است، نیاز به شناخت افکار افراد تأثیرگذار در مقاومت ضد اسرائیلی ضروری به نظر می‌رسد. در این چارچوب به بررسی شخصیت امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان که از شاگردان امام خمینی (ره) محسوب می‌شد، می‌پردازیم؛ زیرا با ارائه دیدگاه‌ها و انجام اقداماتی مانند تشکیل مقاومت لبنانی و زمینه‌سازی تشکیل جامعه مقاوم موجب وارد آمدن ضرباتی به رژیم صهیونیستی شد که خود از عوامل پیروزی جریان مقاومت لبنان در برابر توسعه‌طلبی‌های این رژیم بوده است. امام موسی صدر اندیشه صهیونیسم را منشأ اقدامات مختلف رژیم صهیونیستی و عمیق‌تر شدن قضیه فلسطین می‌دانست؛ از این رو تقویت و تداوم مقاومت، وحدت و پرهیز از اختلافات داخلی، حرکت بر اساس برنامه‌ریزی و عقلانیت، استفاده از اسلام و معنویت، تشکیل جامعه مقاوم، ورود شیعیان لبنان به مقاومت، تقویت و همکاری ارتش‌های کشورهای عربی را به عنوان راه‌حل‌هایی مناسب برای مواجهه با اسرائیل ارائه کرده بود.

واژگان کلیدی

قضیه فلسطین، مقاومت ضد اسرائیلی، صهیونیسم، جامعه مقاوم

* پژوهشگر مطالعات غرب آسیا hoajorloo@yahoo.com

تاریخ تصویب: 1394/05/21

تاریخ دریافت: 1394/05/03

مقدمه

یکی از مشکلات عمده منطقه غرب آسیا و جهان اسلام، زیاده‌خواهی ایدئولوژیک صهیونیسم و مجری آن اسرائیل است، که تحولات این منطقه را به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

با مطالعه تاریخ به نقش مؤثر رهبرانی همچون امام خمینی (ره) و امام موسی صدر در مواجهه با صهیونیسم و اسرائیل پی می‌بریم. امام خمینی (ره) با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از کشوری متحد غرب و دوست اسرائیل، دشمنی قدرتمند علیه آن ساخت. امام موسی صدر نیز با ایجاد جامعه مقاوم و تشکیل جنبش مقاومت لبنانی، در پیروزی جریان مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی نقش آفرین شد.

امام موسی صدر با توجه به زمینه‌های سیاسی، فکری، اعتقادی و اخلاقی خویش، افکار و اندیشه‌های عمیقی درباره صهیونیسم داشت که متأثر از عوامل زیر بود:

1. تحصیل در حوزه علمیه و اجتهاد در علوم دینی و همین طور بهره‌مندی از استادانی همچون امام خمینی (ره)، به ایشان این امکان را داده بود که مباحث مربوط به ادیان و مذاهب دیگر، به ویژه یهود را درک و استنباط کند.

2. آشنایی با اوضاع عصر خود و مکاتب فکری موجود در جهان و منطقه غرب آسیا، به دلیل مطالعه و سفرهای زیاد به اروپا، آفریقا و کشورهای عربی؛

3. درگیری با موضوع زیاده‌خواهی اسرائیل در جنوب لبنان و ارتباط تنگاتنگ با فلسطینیان، که قربانی اصلی صهیونیسم بودند.

با توجه به مطالب یادشده، این مقاله بر اساس این سؤال شکل گرفته که «دیدگاه امام موسی صدر درباره اندیشه صهیونیسم چه بوده و چه راه‌حلی برای مواجهه با آن ارائه داده است؟». پاسخ موقت به عنوان فرضیه اصلی آن است

که امام موسی صدر اندیشه صهیونیسم را منشأ اقدامات مختلف رژیم صهیونیستی و عمیق‌تر شدن قضیه فلسطین می‌دانست. ایشان برای مواجهه با رژیم صهیونیستی راه‌حل‌هایی نیز ارائه کرده است.

ویژگی‌های صهیونیسم از نظر امام موسی صدر

علت مخالفت سرسختانه امام موسی صدر با اسرائیل به بنیان فکری دولت اسرائیل یعنی صهیونیسم برمی‌گردد. ایشان صهیونیسم را به دلیل انحراف آن، زمینه‌ساز مفسادی می‌دانست که هر یک موجب ایجاد بحران در جهان اسلام خواهد شد. ویژگی‌های صهیونیسم از منظر امام موسی صدر عبارت‌اند از:

1. نژادپرستی: در ادبیات سیاسی، نژادپرستی¹ یا تبعیض نژادی به ایده و تفکری گفته می‌شود که نژادی به دلیل ویژگی خاص، خود را برتر از دیگران بداند. شخص یا اشخاص یا ملتی بر اساس این تفکر، اندیشه خود را شکل می‌دهد و در مرحله بعد اقدام به عملی کردن این اندیشه می‌کند. ماده اول کنوانسیون بین‌المللی لغو تمام اشکال تبعیض نژادی،² نژادپرستی و تبعیض نژادی را این گونه تعریف می‌کند: «هرگونه امتیاز، استثناء، محدودیت یا رجحان که مبتنی بر نژاد، رنگ، خانواده یا ملاحظات ملی و غیر آن باشد و هدف یا تأثیر آن لغو یا محرومیت از شناسایی، برخورداری یا استفاده برابر از حقوق بشر یا آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا هر جنبه دیگری از حیات اجتماعی باشد» (پارک، 1370: 306).

بر اساس اندیشه صهیونیسم، یهودیان از نژادی هستند که خداوند آنها را

1. Racism

2. The International Convention on the Elimination of All forms of Racial Discrimination (ICERD)

برگزیده است و برتر از اقوام دیگر هستند (اقلیدی نژاد، 1381: 110-113) و به همین دلیل بر اصول ملی و نژادی خود پافشاری می کنند (احمدوند، 1384: 114). به قدری عنصر نژادپرستی در صهیونیسم پر رنگ است که حتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد در دهم نوامبر 1975 با تصویب قطعنامه شماره 3379¹، صهیونیسم را شکلی از اشکال نژادپرستی نامید و آن را محکوم کرد. شایان ذکر است این قطعنامه در سال 1991 با فشار آمریکا و اسرائیل به بهانه آغاز مذاکرات کنفرانس صلح مادرید لغو شد (شعراوی، 2001: 25-33).

امام موسی صدر نیز با درک این موضوع، نژادپرستی را مهم ترین مؤلفه یهود و صهیونیسم در طول تاریخ می دانست: «از زمان شکل گیری اولین دولت اسرائیل پیش از میلاد حضرت مسیح علیه السلام، یهودیان نژادپرستی و افکار نژادپرستانه ای بیان می کردند که به ایشان القای برتری بر بشر را می کرد و برای خودشان امتیازاتی قائل بودند. خدایی را خاص خود می دانستند که با خدای مردم دیگر و نیز با خدای واحد متفاوت بود و برای آن اسم خاصی را انتخاب کرده بودند. یهودیان بر تمایز و شکاف میان خود و مردم عمق بخشیدند. بشریت را تجزیه و خود را در جایگاه بالاتر از آنان حتی در باب خداوندشان قرار دادند» (ضاهر، 2000، ج 1: 458).

2. برخوردار از حمایت قدرت های بزرگ و استعماری: تحولات کم یا زیاد در یک منطقه تحت تأثیر قدرت های بزرگ است. در عرصه بین المللی دیدگاه این قدرت ها نسبت به یک بازیگر از امور پر اهمیت محسوب می شود. همین دیدگاه موجب اتخاذ سیاست حمایت از یا مقابله با یک کشور یا جریان از سوی

1. United Nations General Assembly Resolution 3379.

قدرت‌های بزرگ می‌شود و همین سیاست‌ها می‌تواند آن کشور یا جریان را به اهداف خود نزدیک کند یا موجب تضعیف آن شود (See: Braumoeller, 2013).

از نظر امام موسی صدر، قدرت‌های بزرگ و استعماری عامل ایجاد صهیونیسم و در پی آن اسرائیل بوده‌اند. ایشان در این زمینه اظهار می‌دارد: «اسرائیل در عملیات استعماری بزرگ در قلب منطقه به وجود آمد، که تاریخ نظیر آن را مشاهده نکرده است. با تشکیل اسرائیل، مردم فلسطین از وطن خود آواره شدند که موجب ایجاد زخمی بر قلب این منطقه شد که خون آن برای همیشه جاری است. [اسرائیل] با اقداماتش در منطقه و جهان تنش‌زایی می‌کند (ضاهر، 2000، ج 7: 407).

امام موسی صدر معتقد بود قدرت‌های بزرگ همچون ایالات متحده آمریکا همواره از صهیونیسم و اسرائیل حمایت می‌کنند، به طوری که به نظر می‌رسد در خدمت آنها هستند. ایشان در تبیین این امر بیان می‌کند: «وزیر خارجه آمریکا را می‌بینیم که می‌آید و می‌رود و با رهبران کشورهای عرب دیدار می‌کند. با همه گذشت‌هایی که آنها کرده‌اند، باز هم از آنها گذشت‌های بیشتر می‌طلبد. این امر برای ما قابل تحمل نیست. می‌بینیم با تمام گذشت‌هایی که اعراب از نظر اقتصادی، نفتی، جغرافیایی و جنگی در مقابل آمریکا کردند، هنوز جهان از کشورهای عربی گذشت‌های دیگری خواستار است تا بتواند تروریست‌های اسرائیلی را راضی کند» (صدر، 1384: 118).

3. توسعه‌طلبی: وجود یک اندیشه و ایدئولوژی وحدت‌بخش زمینه‌ساز توسعه‌طلبی یک کشور یا جریان قومی و ملی است. یک اندیشه نافذ در توسعه‌طلبی معمولاً از دیدگاه، اعتقادات و نگرش‌های وحدت‌بخش و تجدیدنظرطلبانه یک نژاد یا گروه اجتماعی غالب در یک ملت ایجاد می‌شود.

این اندیشه درباره اسرائیل پیش از تشکیل و ایجاد آن وجود داشته و بعد از

استقلال آن نیز همواره تداوم داشته است. این اندیشه وحدت‌بخش و تجدیدنظرطلبانه همان اندیشه صهیونیسم است (سجادپور، حاج زرگرباشی و آجورلو، 1389: 117). امام موسی صدر با درک صحیح توسعه‌طلبی مداوم اندیشه صهیونیسم همواره به آن هشدار می‌داد. برای نمونه ایشان درباره توسعه‌طلبی صهیونیسم و اسرائیل بیان می‌دارد: «آیا یک نفر هست که شک داشته باشد اسرائیل ظالم است؟ اسرائیل سرزمین فلسطین را اشغال و ملت آن را آواره و مردم بی‌گناه را کشته است... اسرائیل دولتی بر پایه اشغالگری، تجاوز و طمع است و بر اساس همین توسعه‌طلبی استوار مانده است» (الصدر، 1975).

4. **خطری برای بشریت:** به عقیده امام موسی صدر، جریان صهیونیسم در شرایطی بحرانی شکل گرفت، نگاهش به سایر اقوام، نژادها و ملت‌ها نگاه خاص است و به مبانی عقلی و کلامی الهی بی‌توجه است. از نظر ایشان، صهیونیست‌ها به ایدئولوژی خود نگاهی کاملاً تکلیف‌گرا و تبعیت‌گرا دارند و از درک حق‌مدار بودن انسان چه به اعتبار یهودیت اصیل و سایر ادیان الهی و چه به اعتبار دولتی مقبول در نظام بین‌الملل بی‌اعتنا هستند.

به نظر امام موسی صدر، جهان اسلام و عرب با جریانی بسیار پیچیده روبه‌روست که در بستری از توهم و خودشیفتگی، منافع ایدئولوژیک خود را دنبال می‌کند که این امر خطری برای بشریت محسوب می‌شود.

ایشان با درک این خطر جهانی، سعی در گوشزد کردن این خطر نه فقط به مردم فلسطین، لبنان و عرب بلکه به جهانیان داشت؛ به طوری که در جایی بیان می‌کند: «خطر خارجی مقصود همان خطر صهیونیسم را که هم اکنون وجود دارد، نمی‌توان دست‌کم گرفت و شاید این خطر، بزرگ‌ترین خطر در جهان باشد» (الصدر، 2007: 105).

ایشان با بیان تداوم این خطر، کسانی را که این خطر را احساس نمی‌کنند، به نشناختن یا نادیده انگاشتن واقعیات متهم می‌کند و اظهار می‌دارد: «موجودیت اسرائیل در منطقه و اهدافی که به دنبال آن است، خطری بزرگ و قریب‌الوقوع برای ما، برای شمال و جنوب ما، برای سرزمین و مردم ما، برای ارزش‌ها و فرهنگ ما، برای اقتصاد و سیاست ما محسوب می‌شود. اسرائیل هم اکنون نیز برای ما خطر ایجاد کرده و هم در آینده خطر ایجاد خواهد کرد. این خطر همه منطقه، تاریخ، جغرافیا و مردم لبنان را دربر خواهد داشت. این مقدمات احتیاجی به اثبات ندارند، مگر برای کسی که در مورد ماهیت اسرائیل جاهل است یا خود را به تجاهل می‌زند» (ضاهر، 2000، ج 2: 215).

ایشان در جایی دیگر خطر اسرائیل را فراگیر بیان می‌کند: «من سراغ ندارم که امتی با خطری بزرگ‌تر از آنچه ما امروزه با آن مواجهیم، روبه‌رو شده باشد. وجود صهیونیسم در منطقه برای آینده منطقه، تهدیدی برای همه ارزش‌ها و میراث‌ها و تاریخ آن است» (صدر، 1383: 229).

5. **تفرقه‌افکنی:** از نظر امام موسی صدر، وحدت ادیان الهی در اعتقاد به توحید و احیای ارزش‌های اخلاقی و تعامل سازنده بین طوایف و ادیان امری پسندیده و در جهت صلح بین مردم است و هر نوع تفرقه‌افکنی بین طوایف و ادیان مختلف امری مذموم و خطری برای بشریت است. ایشان بر این عقیده بود که صهیونیسم و اسرائیل برای دستیابی به اهداف خود به دنبال ایجاد تفرقه بین طوایف و اقوام موجود در غرب آسیا هستند. ایشان در این زمینه بیان می‌دارد: «اسرائیل دولت غاصب خود را تأسیس کرد. ابتدا بین مسلمانان و مسیحیان تفرقه انداختند و به مسیحیان گفتند ما با شما کاری نداریم. فقط مسلمانان را بیرون خواهیم کرد. پس از آنکه مسلمانان را طرد کردند، سراغ مسیحیان رفتند. ابتدا آنها را به مارونی،

کاتولیک و رومی تقسیم کردند؛ سپس یکی یکی سراغشان رفتند. اموالشان را توقیف و خودشان را بیرون کردند» (صدر، 1384: 122).

6. تروریسم: بی‌تردید تروریسم یکی از جدی‌ترین تهدیدها در محیط امنیت ملی و بین‌المللی است که ضربه‌های بسیار سنگینی را متوجه کشورها کرده است. به دلیل ناتوانی جامعه بین‌المللی بر سر اجماع در تعریف واحد از مفهوم تروریسم، این امر دستخوش منافع سیاسی در تعریف‌های متفاوت آن شده است (ر.ک: سلیمانی، 1386)؛ به طوری که تعاریف متفاوت هر بازیگر از منافع و امنیت ملی موجب برخورد دوگانه با این پدیده خطرناک شده است. برخی از دولت‌ها بر اساس منافع خود اقدامات تروریستی را دفاع مشروع و در برخی مواقع تروریسم را با اقدامات مشروع و قانونی یکی می‌دانند؛ ولی آنچه در همه تعاریف یکسان بوده، این است که اقدامی خشونت‌آمیز برای دستیابی به اهدافی خاص است (فیرحی و ظهیری، 1387: 148).

بسیاری از عملیات تروریستی را گروه‌های غیردولتی انجام می‌دهند؛ با این حال برخی دولت‌ها برای دستیابی به اهداف خود، اقدام به عملیات تروریستی می‌کنند که می‌توان به تروریسم دولتی اسرائیل اشاره کرد. در تعریف تروریسم دولتی باید گفت: «تروریسم دولتی¹ به تروریسمی اطلاق می‌شود که دولت، هدایت ترور را بر عهده می‌گیرد، برای آن سازمان در نظر می‌گیرد، هزینه‌هایش را می‌پردازد، به افراد تعلیمات نظامی می‌دهد و آنها را درون جامعه و بیرون جامعه هدایت می‌کند» (هادویان، 1382: 31).

امام موسی صدر صهیونیست‌ها را عامل اصلی پدیده تروریسم در منطقه معرفی و تصریح کرده است: «دسته‌ای تروریست در اسرائیل حکومت می‌کنند و

1. State Terrorism

ترور را به چشم تکلیف می‌نگرند و می‌خواهند رسالت مقدس آزاد کردن فلسطین را ترور بنمایانند» (صدر، 1384: 118).

7. ادعاهای دروغین: به عقیده امام موسی صدر، ایدئولوژی صهیونیسم برای نیل به قدرت، ازدیاد، حفظ و بقا، خود را مجاز به هر عملی مانند کشتار، خیانت، ترور و تقلب می‌داند و هر کاری حتی منافی اخلاق، شرف و عدالت را برای رسیدن به هدفش انجام می‌دهد.

به نظر ایشان، صهیونیست‌ها برای پیشبرد اهداف خود از هر وسیله‌ای از جمله دین و تاریخ‌سازی برای توجیه ایدئولوژی غیرواقعی و غیرانسانی خود استفاده می‌کنند. امام موسی صدر با دروغی خواندن ادعاهای تاریخی صهیونیست‌ها درباره سرزمین فلسطین و معبد حضرت سلیمان علیه‌السلام در رد آن اظهار می‌دارد: «می‌گویند مسجد الاقصی بر ویرانه‌های معبد سلیمان علیه‌السلام ساخته شده است. این دروغی تاریخی است، زیرا معبد سلیمان علیه‌السلام چندین بار پیش از ساخت بنای مسجد الاقصی خراب شده بود و زمانی که سپاهیان مسلمان به شهر قدس قدم نهادند، از این معبد هیچ نشانی بر جای نبوده است... از این رو، هیچ دلیلی در دست نیست که نشان دهد معبد سلیمان علیه‌السلام تخریب و بر ویرانه‌های آن مسجد الاقصی ساخته شده باشد» (صدر، 1383: 381).

8. پایگاه توطئه و فساد: امام موسی صدر صهیونیسم را پایگاهی برای فساد و توطئه علیه مردم عرب و مسلمان غرب آسیا می‌داند و همواره این موضوع را به طوایف مختلف گوشزد می‌کرد؛ به طوری در مطلبی اظهار می‌دارد: «من این سؤال را مطرح می‌کنم: اگر حضرت مسیح علیه‌السلام امروز هم میان ما بود چه می‌گفت: این خانه پدر و مکان عبادت من است که شما آن را به لانه‌ای برای توطئه‌چینی و دسیسه و پایگاهی برای استعمار و مکانی برای فساد و نافرمانی

خدا و امثال آن مبدل کرده‌اید؟» (ضاهر، 2000، ج 1: 458).

ایشان جنگ با اسرائیل را جنگ برای سرزمین نمی‌داند، بلکه جنگ با فساد، انحراف، ستم و اندیشه تبعیض نژادی می‌داند و در این زمینه بیان می‌کند: «پیکار ما نیز با آنان همچون جنگ با یک انسان یا جنگ با گروهی مؤمن نیست، بلکه با آنها می‌جنگیم زیرا ایشان به مصداق آیه قرآن به دستورهای کتاب مقدس خود عمل نمی‌کنند. بنابراین، جنگ ما با آنها جنگ با مجموعه‌ای از انسان‌ها نیست، بلکه این جنگ در واقع نبرد با فساد، انحراف، ستم و اندیشه تبعیض نژادی است» (صدر، 1383: 382).

9. **یهودی‌سازی:** از زمان مشخص شدن فلسطین به عنوان سرزمین موعود و آغاز مهاجرت یهودیان به این منطقه، همواره یکی از مباحث مورد مناقشه، توسعه‌طلبی رژیم صهیونیست در اراضی فلسطین و تغییر بافت جمعیتی آن یا همان یهودی‌سازی¹ بوده است.

یهودی‌سازی عموماً در قالب شهرک‌سازی در مناطق فلسطینی و ایجاد شهرک‌های یهودی‌نشین² در اراضی فلسطینی با حمایت رژیم صهیونیستی در چند دهه اخیر انجام می‌گیرد (مصالحه، 2001: 94-95).

رژیم صهیونیستی توسعه‌طلبی را با انتقال یهودیان و اسکان آنان در این مناطق در قالب شهرک‌سازی ادامه می‌دهد تا بتواند بافت جمعیتی این سرزمین‌ها را به نفع یهودیان تغییر دهد و در آینده با این ادعا که مناطق یهودی باید در اختیار اسرائیل قرار گیرد، به اشغالگری خود ادامه دهد.

رژیم صهیونیستی از یک سو تلاش می‌کند اکثریت در این مناطق اشغالی، به

1. Judaization

2. Israeli Settlement

خصوص بیت المقدس شرقی با یهودیان باشد و از سوی دیگر، در آینده پایتختی یکپارچه در بیت المقدس داشته باشد (عاید، 1379: 39-47). امام موسی صدر نیز با درک پروژه یهودی سازی به ویژه در بیت المقدس در مناسبت های مختلف به آن تذکر می داد: «یهودی سازی قدس یعنی تبدیل آن به شهری یهودی... یهودی سازی یعنی از بین بردن مؤسسات مسیحی و اسلامی به طور مساوی و خلاصه کلام این مؤسسات و مساجد با یهودی سازی در خطرند که دلیل آن هم واضح است» (الصدر، 2007: 109).

راه حل های پیشنهادی امام موسی صدر برای تحقق آرمان فلسطین

امام موسی صدر برخلاف بسیاری از رهبران عربی و غرب آسیا فقط به محکوم کردن صهیونیسم و اسرائیل و همچنین حسرت گذشتگان خوردن اکتفا نکرد، بلکه با فهم این مسئله که مناسب ترین وضعیت برای آرمان فلسطین، مقاومت است، سعی در ارائه راه حل ها کرد تا ضمن بهره برداری از نقاط مثبت از اثربخشی نقاط منفی بکاهد و با بهره گیری از فرصت موجود با تهدیدها نیز مقابله کند، تا هرچه زودتر شاهد از بین رفتن اسرائیل و ایدئولوژی خطرناک آن باشیم.

1. تقویت و تداوم مقاومت: به نظر امام موسی صدر، تنها راه حل مشکل صهیونیسم و اسرائیل، جهاد و مبارزه مسلحانه یا به طور کلی مقاومت است: «مقاومت فلسطینی یگانه راه آزادی فلسطین و جنگ با این دشمن است» (ضاهر، 2000، ج 2: 417) که نیاز به تقویت از طریق ایستادگی، تأییدات دینی، حمایت مالی، حمایت مردمی، حمایت سیاسی و تأمین تسلیحاتی دارد. ایشان در این زمینه اظهار می دارد: «در مقابل این خطر خارجی [اسرائیل] یک کلمه وجود دارد و آن کلمه ایستادگی تا حد مرگ یعنی همان ایستادگی مطلق است. اگر وسایل

دفاعی داشته باشیم، از خود دفاع می‌کنیم و اگر وسایل دفاع نداشته‌ایم، در این راه کشته می‌شویم. شاید این مرگ مانع اشغالگری نشود، ولی موضع ما را نشان می‌دهد... این راه تنها راه بقای این سرزمین و هر سرزمین دیگر است... ایستادگی تنها سلاحی است که راه مقابله در برابر آن وجود ندارد» (الصدر، 2007: 106).

در جای دیگر بیان می‌دارد: «در این روزهای دشوار، به برادرانی که در پی آزادی سرزمین‌های اشغالی هستند و به مسئله اصلی و برحق منطقه [مبارزه با اسرائیل] اهتمام دارند، یادآور می‌شویم که خود را وقف آزادی سرزمین‌های اشغالی و آن مسئله اصلی کنند و هرگز از این آرمان بزرگ غفلت نورزند» (صدر، 1384: 229).

راه حل سیاسی و دیپلماتیک با صهیونیست‌ها در افکار امام موسی صدر به‌هیچ‌وجه پذیرفته نیست و بر این اساس دولت‌ها و گروه‌های فلسطینی برای احقاق حقوق خود نباید به گفت‌وگوهای دیپلماتیک و سازش دست بزنند.

ایشان با دادن حکم سیاسی و شرعی¹ معروف خود، اسرائیل را شر مطلق می‌داند و گفت‌وگو با آن را حرام اعلام می‌کند و در یکی از سخنرانی‌هایش اظهار می‌دارد: «همان‌هایی که تنها در پی صلحی عادلانه و شرافتمندانه هستند و به صلح شبه‌ناک اسرائیلی تن در نمی‌دهند... خود را وقف آزادی سرزمین‌های اشغالی و آن مسئله اصلی کنند و هرگز از این آرمان بزرگ غفلت نورزند» (صدر، 1384: 229).

در جایی دیگر به بدبینی خود و نتیجه‌بخش نبودن روند صلح با صهیونیست‌ها اشاره می‌کند: «در لزوم کاربرد هرگونه امکان و وسیله برای دور کردن خطر آن، هیچ‌گونه تردیدی ندارم و شخصاً بعید می‌دانم راه حل صلح‌آمیزی در این باره وجود داشته باشد» (صدر، 1383: 228-229).

2. وحدت و پرهیز از اختلافات داخلی: از نظر امام موسی صدر، یکی از راه‌های

1. اسرائیل شر مطلق والتعامل معها حرام.

پیروزی در مواجهه با صهیونیسم و اسرائیل، وحدت و پرهیز از اختلافات داخلی بین گروه‌های مقاومت، کشورهای عربی و اسلامی و طوایف مختلف است. ایشان وحدت را به معنای نفی باورها و تغییر هویت نمی‌دانست، بلکه طرفین را به احترام به ارزش‌ها و باورهای یکدیگر و همچنین خودداری از توهین و تخریب طرف مقابل تشویق می‌کرد و بر مبارزه با دشمن مشترک یعنی صهیونیسم و اسرائیل به شکل برادرانه در کنار هم تأکید داشت: «در این روز ما می‌بایست با یکدیگر متحد شویم و با هم همکاری کنیم، به طوری که لبنانی‌ها و فلسطینیان همکاری کنند و همین طور لبنانی‌ها، فلسطینیان و سوری‌ها هماهنگ شوند و همه با هم در جهان عرب صف واحد تشکیل دهیم تا در مقابل خطرهای اسرائیل، که هر روز بیش از پیش شدت می‌یابد، ایستادگی کنیم» (ضاهر، 2000، ج 8: 357).

ایشان در خصوص پرهیز از اختلافات داخلی می‌گوید: «در حرکت خویش [مبارزان فلسطینی می‌بایست] از جدال‌های حاشیه‌ای پرهیزید، زیرا به شما امکان استفاده از توانمندی‌های مطلوب جهان عرب، مسلمانان، مسیحیان و هر انسان آزاده در هر جای جهان را می‌دهد» (ضاهر، 2000، ج 1: 460).

3. حرکت بر اساس برنامه‌ریزی و عقلانیت: امام موسی صدر به عنوان رهبری منظم که معتقد به ساختار و برنامه‌ریزی قبل از آغاز هر کاری بود، در مواجهه با دشمن صهیونیست بر این امر تأکید می‌کرد: «شما [مبارزان فلسطینی] می‌بایست با آگاهی کامل، دقت، بررسی صحیح، به برنامه‌ریزی و طراحی اقدامات و خط‌مشی خویش بپردازید، زیرا انجام کارها بر اساس آگاهی به صورت علمی و درست، به موفقیت دست می‌یابد» (ضاهر، 2000، ج 1: 460).

4. استراتژی استفاده از معنویت: یکی از استراتژی‌هایی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، کسب روحیه و استفاده از قدرت اعتقاد به خداوند در مبارزات است. در

این راستا امام موسی صدر همواره مبارزان، سران کشورهای عربی و مردم را به معنویت و توکل بر خدا در رویارویی و جهاد با دشمن صهیونیست توصیه می‌کردند: «ایمان هم انگیزه است، هم راه و روش و هم روشنای راه، برای ایجاد تحول در انسان، از تشمت و پراکندگی به با همدیگر بودن، از فردیت به جماعت... از نقص به کمال، از ضعف به قدرت» (ضاهر، 2000، ج 10: 106).

5. تقویت و همکاری ارتش‌های کشورهای عربی: ارتش‌های عربی در چند دهه گذشته بنا به دلایل گوناگون از جمله مانع‌تراشی قدرت‌های بزرگ و مشخص نبودن استراتژی نظامی مستقل حکام عرب، ارتشی ضعیف‌تر از اسرائیل داشته‌اند. این ارتش‌ها عملاً در برابر تجاوزات اسرائیل شکست‌های سنگین متحمل شده‌اند و بیشتر مأموریت‌شان داخلی و حفظ نظام‌های دیکتاتوری یا با دید مثبت کمک به آسیب‌دیدگان در حوادث غیرمترقبه بوده است.

امام موسی صدر همواره نگران ضعف ارتش‌های عربی به خصوص لبنان بود و سعی داشت با حمایت از تجهیز و تقویت ارتش، مأموریت اصلی آن را در حمایت از مرزهای عربی با مشارکت سایر کشورهای عربی در برابر صهیونیست‌ها گوشزد کند. ایشان در این زمینه اظهار می‌دارد: «شیعیان... آماده‌اند به صفوف خدمت و وظیفه بپیوندند و برای تقویت ارتش و تجهیز آن به سلاح‌های مدرن دفاعی، سختی‌ها را تحمل و با فداکاری از وطن خویش محافظت کنند؛ در آزادسازی اراضی مقدس، با سایر دولت‌های برادر عرب مشارکت جویند و به جنبش حق‌طلبانه مقاومت فلسطین یاری رسانند» (صدر، 1383: 333).

در جایی دیگر برای تقویت نیروی انسانی ارتش لبنان پیشنهاد می‌کند: «خدمت سربازی اجباری شود تا با همکاری مسئولان بتوانیم دین خود را در پاسداری از تمامیت ارضی وطنمان، لبنان، از یک سو و در همراهی و مشارکت

صحیح با مقاومت مردم فلسطین به منظور آزادسازی اراضی اشغالی از سوی دیگر، ادا کنیم» (صدر، 1383: 326).

6. تشکیل جامعه مقاوم: یکی دیگر از راه‌حل‌های پیشنهادی امام موسی صدر، تشکیل جامعه مقاوم در برابر توسعه‌طلبی اسرائیل بود که در آن همه افراد جامعه توان و قدرت خود را بسیج و سازماندهی کنند تا در زمان مقابله با دشمن از آن بهره ببرند. در تعریف جامعه مقاوم به علت اینکه مفهومی چندوجهی است، باید بر اساس علم منطق که می‌گوید برای تبیین برخی مفاهیم، ابتدا مفاهیم ضد آن را بشناسیم تا به تحلیل بهتری از آن مفهوم دست یابیم، عمل کرد. به همین منظور ابتدا به بررسی مفهوم جامعه منفعل، در مقابل جامعه مقاوم و متضاد، می‌پردازیم. جامعه منفعل جامعه ای است که مردم و به تبع آن دولت به اتفاقات و تهدیدهای پیرامون خود از جمله توسعه‌طلبی چه به صورت سخت‌افزاری چه به صورت نرم‌افزاری قدرت برتر واکنش چشم‌گیری نشان نمی‌دهند و در مقابل آن مقاومت و ایستادگی نمی‌کنند و حاکمیت و برتری متجاوزین را بر شئون مختلف خود می‌پذیرند و به تدریج دچار استحاله می‌شوند؛ ولی جامعه مقاوم در مسیری مخالف مسیر این جامعه عمل می‌کند تا مانع اشغال فیزیکی و فرهنگی کشور خود شوند. جامعه مقاوم ویژگی خاصی همچون مشارکت عمومی بالا، جدیت در مبارزه با اشکال مختلف فساد در جامعه، تلاش برای تحقق نسبی عدالت اجتماعی، تقویت وحدت ملی در موضوع وجود تهدید توسعه‌طلبی، فعال کردن متحدان خارجی و هموطنان مقیم خارج در زمینه‌های مختلف، تلاش برای حفظ استقلال نسبی از خارج، وجود تشکیلات صحیح برای مدیریت جامعه، ارائه الگویی مناسب برای مقاومت بیشتر، ترویج دیدگاه توحیدی به خداوند و بالاخره حضور فعال در عرصه تبلیغاتی و رسانه‌ای دارد.

7. ورود طایفه شیعه لبنان: بقا و تداوم هر پدیده روابط بین الملل همچون آرمان فلسطین یا همان آزادی قدس شریف و سرزمین فلسطین، به میزان حمایت عمومی و مشارکت همسو در عرصه‌های مختلف آن بستگی دارد و این اصلی است که درباره هر آرمان سیاسی جاری و ساری است. آرمان فلسطین در چند دهه اخیر همواره مورد توجه مردم فلسطین، جهان عرب و جهان اسلام بوده است؛ اما این آرمان نیازمند تقویت در تمام جهان است و باید همواره به دنبال فرایندی برای جلب افکار و حمایت عمومی بیشتر باشد.

امام موسی صدر وارد شدن شیعیان به قضیه فلسطین را یک فرصت می‌دانست که موجب تغییر معادلات آن خواهد شد: «شیعیان همواره پیشروان مسلمانان بوده‌اند. آنها فداییان اسلام‌اند و بنابراین ما از فرصت فداییان فلسطین در لبنان استفاده کردیم و مکان و موقف صحیح و شایسته خویش را یافتیم و برای همبستگی دائم و نیرومند خود با اعراب و مسلمانان اقدام کردیم» (حجتی کرمانی، 1388: 97).

امام موسی صدر با اقدامات خود موجب وارد شدن شیعیان لبنان به برخورد جدی با اسرائیل شد؛ به طوری که یاسر عرفات گفته بود: «اگر موسی صدر نبود، شیعیان با ما مبارزه داشتند یا حداقل بی‌طرف بودند» (حجتی کرمانی، 1388: 97).

8. استفاده از فرصت بیداری اسلامی: یکی از نقاط عطف جریان بیداری اسلامی در دهه‌های 60 و 1970 بود که در نهایت موجب انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) در 1979 شد که بخشی از این امر را باید در جریان‌ساز بودن امام موسی صدر در این روند جست‌وجو کرد.

بیداری اسلامی به عنوان جریانی فرصت‌ساز به مسلمانان یادآوری می‌کند که باید در سیاست‌های خود بازبینی کنند و با رجوع به منابع فکری و دینی اصیل خود و شرایط کنونی جهان مانع تسلط غرب و صهیونیسم بر خود شوند. این

جریان دارای ابعاد و مطالبات و ظرفیت‌های گوناگونی است (ر.ک: القرضاوی، 2006 و تیرائیان، 2011) که یکی از مطالبات اساسی آن تحقق آرمان فلسطین به شکل عادلانه آن است.

جریان بیداری اسلامی نمی‌تواند قضیه فلسطین را امری حاشیه‌ای تلقی کند و رژیم صهیونیستی را به عنوان نماد ظلم از نظر دور داشته باشد. امام موسی صدر نیز همچون استاد خود، امام خمینی (ره)، در اوج فعالیت ایدئولوژی‌ها و جریان‌های چپ و راست در جهان اسلام، با ارائه الگوی‌های اسلامی همچون عاشورا و مفاهیم بالای آن مانند شهادت موجب انگیزش مذهبی شد و بار دیگر بر کارایی اسلام به عنوان راه نجات از طریق اعمال صحیح آن تأکید کرد و آن را محصور در عبادات و عقاید ندانست: «اسلام هیچ‌گاه به تعالیم اعتقادی و تذکرات اخلاقی اکتفا نکرده، بلکه نظامی عام و فراگیر ارائه داده است که شامل روابط بین افراد با یکدیگر، روابط با دولت و همچنین مقررات اداری و بین‌المللی است» (ضاهر، 2000، ج 1: 221).

نتیجه‌گیری

امام موسی صدر به دلیل تحصیل در حوزه علوم دینی و شناختی که از دین یهود و اقدامات مخرب اسرائیل داشت، علت آن را «صهیونیسم» به عنوان ریشه فکری دولت اسرائیل می‌دانست.

ایشان، با توجه به زمینه‌های فکری، دینی و سیاسی خویش، معتقد بود رژیم نژادپرست صهیونیستی به وسیله قدرت‌های بزرگ و استعماری به وجود آمده است. از نظر ایشان، صهیونیست‌ها همواره به دنبال توسعه‌طلبی ارضی و امنیتی در خاورمیانه هستند که نه فقط خطری برای مردم این منطقه بلکه برای جهانیان است.

به عقیده امام موسی صدر، اسرائیل با تفرقه‌افکنی بین طوایف و کشورها با استفاده از سیاست‌های تروریستی به دنبال دستیابی به اهداف خویش است. ایشان معتقد بود صهیونیست‌ها با ادعاهای تاریخی دروغین، سرزمین مقدس فلسطین را به پایگاهی برای فساد و توطئه علیه مردم عرب و مسلمان خاورمیانه تبدیل کرده‌اند.

امام موسی صدر به منظور مقابله با رژیم صهیونیستی راه‌حل‌هایی ارائه داده است که می‌توان به تداوم و تقویت مقاومت، بهره بردن از عنصر معنویت و توکل بر خدا، برنامه‌ریزی و عقلانیت در کارهای تشکیلاتی، وحدت و پرهیز از اختلافات داخلی بین گروه‌های مقاومت، کشورهای عربی و اسلامی و طوایف مختلف، تشکیل جامعه مقاوم و تقویت و همکاری ارتش‌های کشورهای عربی به عنوان عاملی برای پیروزی نام برد. امروز با گذشت نزدیک به چهار دهه شاهدیم تحلیل امام موسی صدر درباره قضیه فلسطین از ابعاد زیر صحیح بوده است:

1. مقاومت: بعد از آزمودن تمام راه‌ها و راه‌حل‌های سیاسی در قالب طرح‌های صلح غرب آسیا، باز هم جهان عرب و اسلام به این نتیجه رسیده‌اند که تنها راه دستیابی به آرمان فلسطین، همان راه مقاومت است.

2. ایدئولوژی اسلامی: گروه‌های مقاومتی که از ایدئولوژی‌های وام‌گرفته از خارج منطقه استفاده کردند، دستاورد چشم‌گیری نداشتند؛ در مقابل گروه‌هایی که الگو و ایدئولوژی خود را از فرهنگ اصیل مردم منطقه یعنی اسلام اخذ کرده بودند، به موفقیت زیادی دست یافتند.

3. ورود شیعیان به عرصه مقاومت: مقاومت متعلق به همه مردم منطقه است و مختص فلسطینیان و گروه‌های فلسطینی نیست؛ به خصوص با ورود شیعیان به مقاومت از این پتانسیل بزرگ جهان اسلام نیز استفاده شده، به گونه‌ای که شیعیان سخت‌ترین ضربات را بر پیکره دشمن صهیونیستی وارد کرده‌اند.

منابع فارسی

- احمدوند، شجاع (1384)، «تأملی نظری در تکوین دولت صهیونیستی»، دو فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، س 7، ش 14، بهار و تابستان.
- اقلیدی نژاد، علی (1381)، «صهیونیسم سیاسی و بنیان‌های افراطی»، ماهنامه مبلغان، ش 38، اسفند.
- پارک، نو هایونگ (1370)، «جهان سوم، به مثابه یک نظام حقوقی بین‌المللی»، ترجمه محسن مجبسی، مجله تحقیقات حقوقی، ش 9، بهار و تابستان.
- حجتی کرمانی، علی (1388)، لبنان به روایت امام موسی صدر و شهید دکتر چمران، تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- سجادیپور، سیدمحمدکاظم، سید روح‌الله حاج زرگرباشی و حسین آجورلو (1389)، «سیاست جغرافیایی و توسعه‌طلبی: شهرک‌سازی در اراضی اشغالی»، فصلنامه روابط خارجی، س 2، ش 2، شماره مسلسل هشتم، زمستان.
- سلیمانی، رضا (1386)، «آشفتگی معنایی تروریسم در گفتمان علمی و سیاسی»، فصلنامه راهبرد، ش 43، بهار.
- صدر، موسی (1381)، کرامت انسان، تهران: مؤسسه فرهنگی و تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (1383)، در قلمرو اندیشه امام موسی صدر 7: نای و نی، ترجمه علی حجتی کرمانی، تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- صدر، موسی (1384)، در قلمرو اندیشه امام موسی صدر 2: ادیان در خدمت انسان، تهران: مؤسسه فرهنگی - تحقیقاتی امام موسی صدر.
- عاید، خالد (1379)، شهرک‌سازی در مناطق اشغالی، ترجمه عبدالکریم جادری، تهران: دوره عالی جنگ.
- فیرحی، داود و صمد ظهیری (1387)، «تروریسم؛ تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم»، فصلنامه سیاست، دوره 38، ش 3، پاییز.
- هادیان، غلامحسین (1382)، «مفهوم تروریسم و موضع حقوق اسلامی نسبت به آن»، فصلنامه مصباح، س 12، ش 45، بهار.

منابع عربی

- تبرائیان، محمد حسن (2011)، الصحوة الإسلامية آفاقها المستقبلية وترشيدها، مجلدين، طهران:

المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية.

- شعراوي، حلمی (2001)، «رياح العنصرية تعصف ببلدان الجنوب: قراءة في الوثائق التحضيرية للمؤتمر العالمي ضد العنصرية»، *مجلة المستقبل العربي*، السنة الرابعة و العشرون، العدد 270، آب/أغسطس.
- الصدر، موسى (1975)، «عدم الدفاع خيانة»، الموقع الإلكتروني للمركز الإمام موسى الصدر للأبحاث والدراسات، 22 كانون الثاني، متاحه على:

<http://imamsadr.net/News/news.php?NewsID=5995&h=2>.

- الصدر، موسى (2007)، *حوارات صحفية 7: تأسيساً لمجتمع مقاوم*، بيروت: الطبعة الثانية، مركز الإمام موسى الصدر للأبحاث والدراسات.
- ضاهر، يعقوب (2000)، *مسيرة الإمام السيد موسى الصدر*، 12 مجلد، بيروت: دار بلال.
- القرضاوى، يوسف (2006)، *الصحة الإسلامية وهموم الوطن العربي والإسلامي*، القاهرة: دار الشروق للنشر و التوزيع، 2006.
- مصالحه، نورالدين (2001)، *اسرائيل الكبرى والفلسطينيون سياسة التوسع 1967-2000*، بيروت: مؤسسة الدراسات الفلسطينية.

منابع انگلیسی

- Braumoeller, Bear F.(2013), *The Great Powers and the International System: Systemic Theory in Empirical Perspective*, Cambridge Studies in International Relations New York NY.: Cambridge University Press.